



شناسایی عوامل مؤثر بر تمایل به تقلب در مدرسان حسابداری با تأکید بر نظریه مثلث تقلب

دکتر رضوان حجازی^۱، حسین رجب‌دوری^۲، مجتبی بردبار^۳

چکیده: هدف پژوهش حاضر، بررسی عوامل مؤثر بر تمایل به تقلب در مدرسان حسابداری با تأکید بر نظریه مثلث تقلب است. تقلب علمی و ادبی دارای آثار زیان باری است که حیثیت حرفه‌ای جامعه علمی را مخدوش می‌کند. این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی است که جامعه آن را مدرسان حسابداری دانشگاه‌های مختلف در سطح کشور تشکیل می‌دهد. برای این منظور با کسب نظر ۱۷۰ نفر از مدرسان حسابداری در سطح کشور به روش تصادفی ساده در سال ۱۳۹۹، این موضوع بررسی شد. برای بررسی یافته‌ها اثر ابعاد مثلث تقلب شامل فشار (فشار مالی و فشار کاری)، فرصت (کنترل و نظارت و توسعه فناوری) و توجیه (رقابت غیرمنصفانه) بر تمایل به تقلب در مدرسان حسابداری توسط فن حداقل مربعات جزئی و معادلات ساختاری در نرم‌افزار PLS آزمون قرار شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین عوامل موردبررسی و تمایل به تقلب در مدرسان حسابداری، رابطه معناداری وجود دارد که شدت آن ۶۱ درصد است. همچنین، بررسی فرضیه‌های پژوهش نشان داد که بین فشار مالی (۵۴ درصد) و فشار کاری (۴۳ درصد) و تمایل به تقلب نیز رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. افزون بر آن، بین رقابت غیرمنصفانه و تمایل به تقلب نیز رابطه مثبت و معناداری در سطح ۱۹ درصد مشاهده شد. سایر یافته‌های پژوهش نیز نشان داد که بین کنترل و نظارت و توسعه فناوری با تمایل به تقلب در مدرسان حسابداری رابطه معناداری وجود ندارد. یافته کلی این پژوهش بیانگر توجه بیشتر به مقوله تمایل به تقلب و سرقت ادبی در رشته حسابداری است و لازم است توجه بیشتری به آن صورت گیرد.

کلید واژه‌ها: تمایل به تقلب، سرقت ادبی، مثلث تقلب، مدرسان، حسابداری.

Hejazi33@gmail.com

۱- استاد حسابداری دانشگاه خاتم، تهران، ایران.

۲- دانشجوی دکتری حسابداری و عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران. (نویسنده مسئول)
Hosrado@gmail.com

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، واحد فسا، دانشگاه آزاد اسلامی، فسا، ایران. Mojtaba.bordbar91@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۱۱

۱. مقدمه

اخلاق در سازمان موضوعی است که در چند دهه اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است. مسائل اخلاقی در سازمان اهمیت بسیار حیاتی دارد، زیرا به «عدم تقارن اطلاعات»^۱ مربوط می‌شود که زیان‌های زیادی به همراه خواهد داشت (جبارزاده، روشنی و خدایاری، ۱۳۹۴). مسائل اخلاقی مرتبط با عدم تقارن اطلاعات نه تنها در سازمان‌های تجاری مانند شرکت‌ها، بلکه در سازمان‌های غیرانتفاعی از جمله سازمان‌های آموزشی مانند دانشگاه‌ها نیز رخ می‌دهد (سانتانو و کاهایا، ۲۰۱۹). در نتیجه، لازم است سازمان‌ها استراتژی مناسب برای پرداختن به مسائل اخلاقی و عدم تقارن اطلاعاتی را در پیش گیرند.

یکی از مسائل اخلاقی که دانشگاه‌ها با آن مواجه می‌شوند «سرقت ادبی»^۲ است. دانشگاه به عنوان یک نهاد آموزشی نقش مهمی در انجام آثار پژوهشی و علمی ایفا می‌کند. بر اساس دیدگاه سورینون^۴ (۲۰۱۱) همراه با انتشار مقاله‌ها، اخباری درباره نقض اخلاق و سرقت ادبی هم شنیده می‌شود؛ بنابراین، سرقت ادبی و کلاهبرداری در دانشگاه‌ها از جمله مسائلی است که باید در جوامع دانشگاهی و علمی و هم در بخش آموزش مورد توجه قرار گیرد (الیوت، مارکوئیس و نثال^۵، ۲۰۱۳). در معنای عام، سرقت ادبی شامل کپی برداری بدون ذکر نام منبع و بدون اجازه است. در دیکشنری وبستر^۶ نیز سرقت ادبی به معنای سرقت ایده‌ها یا واژگان متعلق به دیگران است، استفاده کردن از محصول دیگری بدون ذکر نام منبع یا و نشان دادن آن به عنوان یک ایده یا محصول جدید است.

گزارش‌های متعددی از سرقت‌های ادبی در دانشگاهیان کشور به صورت رسمی و غیررسمی در خبرهای داخلی و خارجی شنیده می‌شود که اهمیت توجه بیش از پیش به سرقت ادبی را برجسته می‌کند. اگرچه تاکنون مطالعه‌های متعددی در رابطه با سرقت ادبی در سطح بین‌المللی و ملی مانند بیکر، کانلی، لنتز و موریسون^۷ (۲۰۰۶) با عنوان «اثر مثلث قلب برای پیش‌بینی عدم صداقت تحصیلی در بین دانشجویان کسب و کار»، گرانیتز و لووی^۸ (۲۰۰۷) با عنوان «نقش نظریه‌های اخلاقی در سرقت ادبی دانشجویان»، مالگوی و راکویسکی^۹ (۲۰۰۹) با عنوان «مبارزه با تقلب تحصیلی در دانشجویان»، محمدحسین پور، باقری نویسی و افضل‌شهری (۱۳۹۶) با عنوان «بررسی دلایل ارتکاب سرقت ادبی و راه‌های پیشگیری از آن در جامعه علمی ایران: دیدگاه سردبیران، اساتید و دانشجویان» و ناصری و فتحی (۱۳۹۷) با عنوان «بررسی

عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان ارشد حسابداری به سرقت علمی» صورت گرفته است، اما تاکنون پژوهش مستقلی در رابطه با عوامل مؤثر بر تمایل به تقلب در مدرسان حسابداری با تأکید بر مثلث تقلب در ایران مشاهده نشده است. از آنجاکه موضوع اخلاق حرفه‌ای و تقلب در حرفه حسابداری اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد (نمازی، رجب‌دري و روستامیمندی، ۱۳۹۶)، نمی‌توان شرایط آن را با سایر رشته‌ها یکسان دانست و در نتیجه، نیازمند پژوهش مستقلی است که ضرورت پژوهش را روشن می‌سازد. از آنجاکه اعتماد عمومی در حرفه حسابداری دارای اهمیت فزاینده است، لازم است مواردی مانند سرقت ادبی و تمایل به تقلب که حیثیت حرفه را مخدوش می‌نماید، به صورت دقیق‌تری مورد بررسی قرار گیرد تا بتوان از خدشه‌دار شدن حیثیت حرفه جلوگیری کرد.

سؤال پژوهش را می‌توان به صورت زیر مطرح کرد که آیا ابعاد مثلث تقلب بر تمایل به تقلب در مدرسان حسابداری تأثیر می‌گذارد؟ هدف پژوهش حاضر پاسخ به پرسش ذکر شده است. بررسی سؤال پژوهش از آن نظر اهمیت دارد که سرقت ادبی میان مدرسان حسابداری هر جایی از دنیا ممکن است اتفاق بیفتد. این سوء رفتار می‌تواند اعتبار و شهرت مدرسان حسابداری و نهادهای آموزش عالی را به خطر بیندازد. از این رو، مدرسان حسابداری و مدیریت نهادهای آموزش عالی باید به این مسئله آگاه باشند، عوامل تأثیرگذار بر تمایل به تقلب را بیابند و اقدام‌های مقتضی برای پیشگیری یا به حداقل رساندن سرقت ادبی را اتخاذ کنند.

پژوهش حاضر از سه جهت روی توسعه ادبیات مرتبط با پژوهش تأثیرگذار است. نخست، پژوهش حاضر دیدگاه نوینی درباره عواملی که به صورت بالقوه روی تمایل به تقلب مدرسان تأثیر می‌گذارند ارائه می‌دهد. مطالعه‌های قبلی صورت گرفته حتی در سطح بین‌المللی بیشتر به تمایل به تقلب و سرقت ادبی در دانشجویان توجه نموده است (بیکر و همکاران، ۲۰۰۶؛ مالگوی و راکویسکی، ۲۰۰۹، سینکلن^{۱۰}، ۲۰۱۲). دوم، پژوهش حاضر از نظریه مثلث تقلب استفاده می‌کند که پدیده تقلب را پیش‌بینی و توضیح می‌دهد. این نظریه در مطالعه‌های مختلف مربوط به تقلب‌های مالی یا حسابداری در شرکت‌ها کاربرد گسترده‌ای دارد (آقافاله، اسکندر و محمد^{۱۱}، ۲۰۱۴). حرفه حسابداری و حسابرسي، سودمندی مثلث تقلب را برای کمک به درک، پیشگیری و کشف، نه تنها در مورد اختلاس، بلکه به گونه کلی در مورد تقلب، به رسمیت شناخته است (محمدی‌مقدم، معین‌الدین و حیرانی، ۱۳۹۷). مثلث تقلب، یک فناوری مدیریت

تقلب است که به گونه هم‌زمان ویژگی‌های فردی اخلاقی و شرایط سازمانی را هدف قرار می‌دهد. همچنین، مثلث تقلب به‌منزله یک ابزار بیانی است که انجمن‌های حرفه‌ای می‌توانند به‌منظور ایجاد و تحکیم یک میدان دانش در زمینه اخلاق حرفه‌ای، از آن استفاده کنند. مثلث تقلب، الگوهایی از هویت افراد پرخطری که از منظر اخلاقی ضعیف هستند را شکل می‌دهد؛ افرادی که باید توسط سازمان به‌طور منظم و شدیداً کنترل شوند (مورالس، جندورن و گوئنین-پاراکینی^{۱۲}، ۲۰۱۴). ازاین‌رو، نظریه مثلث مورد استفاده قرار گرفته است، زیرا الگوی پذیرفته‌شده مناسبی برای پیش‌بینی نیت و قصد انجام سرقت ادبی به شمار می‌آید (وایبو^{۱۳}، ۲۰۱۲). سوم، نمونه پژوهش را مدرسان دانشگاهی در رشته حسابداری تشکیل می‌دهند. تدریس در دانشگاه شغل منحصر به فردی است که به‌عنوان یک جایگاه علمی، آنان را به‌عنوان افرادی قابل‌اعتماد تبدیل می‌کند.

در ادامه، ابتدا مبانی نظری و پیشینه پژوهش مطرح و سپس، روش پژوهش، یافته‌ها و بحث و نتیجه‌گیری آورده می‌شود.

۲. مبانی نظری

۲-۱. تقلب علمی و سرقت ادبی

تقلب شامل هرگونه اقدام عمدی فریب‌کارانه است (مرادی، رستمی و زارع، ۱۳۹۳). تقلب علمی را نیز می‌توان خیانت یا نادرستی علمی و دانشگاهی یا سوء رفتار علمی نامید که شکلی از کلاهبرداری در رابطه با فعالیت‌های علمی است (سانتانو و کاهایا، ۲۰۱۹). همچنین، تقلب را می‌توان شامل اقدام‌های عامدانه برای استفاده از منابع ممنوع و غیرمجاز دانست (سیرا و هیمان^{۱۴}، ۲۰۰۸). در تعریفی دیگر نیز تقلب علمی عبارت است از رفتار منحرفی که در آن فرد نتایج کاری که سایرین در گذشته انجام داده‌اند را جمع‌آوری و به‌عنوان کار خود معرفی می‌کند (لامبرت، میلمت و اسلوتج^{۱۵}، ۲۰۰۳). بر اساس تعریفی دیگر، کسی که از کار دیگران استفاده می‌کند بدون آنکه ذکر از نام منبع داشته باشد نیز به تقلب عملی روی آورده است (بیکر و همکاران، ۲۰۰۶).

به گونه کلی، تقلب علمی شامل نقض قوانین است، زیرا فرد مرتکب جرم، قوانین را زیر پا می‌گذارد (بلودگود، تورنلی و مودراک^{۱۶}، ۲۰۰۸). تقلب علمی رابطه تنگاتنگی با تقلب‌هایی که

در یک شرکت انجام می‌شود دارد، زیرا تقلب در یک شرکت می‌تواند از تقلبی که در نهادهای آموزشی انجام گرفته سرچشمه گرفته و به وجود آید (سانتانو و کاهایا، ۲۰۱۹). از نظر سوناکوتا^{۱۷} (۲۰۱۰) مقابله با تقلب باید از بخش آموزشی شروع شود، زیرا نمی‌توان تقلب را به یک‌باره کاهش داد؛ بلکه باید از همان مراحل مقدماتی و اولیه تحصیل و آموزش به تدریج مطرح شود. سرعت ادبی یک مفهوم به گونه کامل پیچیده است. پژوهشگران مختلف در محیط دانشگاهی و علمی، دانش را توسعه می‌دهند. این سیستم به توانایی آنان در استفاده از نتایج قبلی برای توسعه دانش فعلی بستگی دارد و زمانی منجر به نتیجه می‌شود که پژوهشگر با ذکر منبع مطالعه‌های قبلی از آن‌ها استفاده کند. وقتی پژوهشگر از ذکر منبع یافته‌های سایر مطالعه‌ها در پژوهش خودش امتناع می‌کند، تمامیت پژوهش زیر سؤال می‌رود و از ارزش آن کاسته خواهد شد (مارتین^{۱۸}، ۲۰۰۷).

۲-۲. نظریه مثلث تقلب

ایجاد الگوهای تقلب در دهه ۱۹۵۰ از مثلث تقلب شروع شد. چارچوب مثلث تقلب که به صورت رسمی توسط حرفه حسابرسی به عنوان بخشی از بیانیه استانداردهای حسابرسی شماره ۹۹ آمریکا انتخاب شده است، «توسط پروفیسور دونالد کریزی^{۱۹}» و هنگام مطالعه وی در مورد اشکال تقلب مطرح شد. وی سه عامل «فشار^{۲۰}»، «فرصت^{۲۱}» و «توجیه^{۲۲}» را به عنوان عوامل مؤثر در وقوع تقلب می‌داند و به اعتقاد وی بدون وجود این سه شرط، تقلب به جایی نمی‌رسد (نمازی و رجب‌دری، ۱۳۹۹). شکل ۱، مثلث تقلب را نشان می‌دهد.



شکل ۱- مثلث تقلب (دورمینی، فلمینگ، کرانچر و ریلی^{۲۳}، ۲۰۱۲: ۵۵۸)

در این الگو، انگیزه ترکیبی از شخصیت فرد و وضعیتی است که فرد خود را در آن گرفتار می‌یابد (مرادی و سلیمانی، ۱۳۹۰). فرصت، عاملی است که متوجه ساختار سازمانی است. سازمان‌هایی با کنترل‌های داخلی ضعیف و عدم نظارت کافی روی کارکنان، بیشترین فرصت را برای متقلبان فراهم می‌کنند (وکیلی‌فرد، جبارزاده‌کنگرلوئی، سعید و پوررضا، ۱۳۸۸). توجیه نیز قلب روانشناسی متقلبین است. توجیه توانایی تقلب کنندگان در متقاعد کردن خود به این سمت که آن‌ها کار درستی را انجام می‌دهند یا متقاعد نمودن دیگران به انجام کارهای غلط است (نمازی و حسینی‌نیا، ۱۳۹۸).

با توجه به مطالب بیان شده، نظریه مثلث تقلب به عنوان چارچوب نظری پژوهش حاضر انتخاب شده است. فرد متقلب کسی است که از یک موضع، جایگاه و اعتماد مشخص برخوردار است، اما خلاف و نقض آن اعتماد رفتار می‌کند (سانتانو و کاهایا، ۲۰۱۹). مثلث تقلب الگویی است که از آن برای تبیین متخلفان شغلی یا متقلبان در محیط کار استفاده می‌کنند. مرتکب تقلب را ناقض اعتماد می‌نامند، یعنی کسی که اعتماد را نقض کرده است. این ناقض اعتماد به گونه معمول با مشکل یا فشار مواجه می‌شوند (به گونه معمول فشار مالی) و برای مقابله با این فشار به صورت پنهانی از موقعیت خود سوءاستفاده می‌کنند. همچنین، با فرصت و توجیه نیز زمینه را برای تقلب فراهم می‌سازند (سوناکوتا، ۲۰۱۰).

هرچند به گونه معمول از نظریه مثلث تقلب برای تبیین و توصیف تقلب‌های مالی استفاده می‌شود، اما می‌توان از آن برای توصیف نادرستی و سوءنیت در محیط‌های علمی نیز استفاده کرد (بیکر و همکاران، ۲۰۰۶؛ بورکه و سانی^{۲۴}، ۲۰۱۸) زیرا تقلب‌ها در محیط‌های علمی شبیه تقلب‌های مالی است که شامل فشار، فرصت و توجیه می‌شود (بورکه و سانی، ۲۰۱۸). بیکر و همکاران (۲۰۰۶) نیز معتقدند که نادرستی و خیانت علمی را می‌توان یک تقلب دانست؛ بنابراین، مدل پژوهش شبیه مثلث تقلب در کسب‌وکار بوده و سه مؤلفه ذکر شده را دارد: **فشار** برای انجام و ارتکاب تقلب (مانند کسب سود و مقام)؛ **فرصت** برای ارتکاب به تقلب (مانند عدم نظارت و کنترل)؛ و **توجیه** مانند اینکه دانشگاه حواسش به تقلب نیست. هرکدام از این مؤلفه‌ها عاملی است که می‌تواند نادرستی علمی را پیش‌بینی کند که در پژوهش بیکر و همکاران (۲۰۰۶) نشان داده شده است. آن‌ها دریافتند که فشار، فرصت و توجیه پیش‌بین‌های معنادار نادرستی علمی در میان دانشجویان رشته بازرگانی است. آن‌ها همچنین، دریافتند که به‌سختی

می‌توان فشار برای انجام سرقت ادبی را کم کرد، زیرا فشار عاملی است که خود متقلبان به وجود می‌آورند. دانشگاه‌ها می‌توانند با نظارت و کنترل، فرصت انجام سرقت ادبی را به حداقل برسانند و اگر فرصتی مهیا نشود، فرد هم مرتکب تقلب نخواهد شد (بیکر و همکاران، ۲۰۰۶).

۲-۳. فشار

در این پژوهش فشار به‌عنوان عامل تحریک‌کننده برای وقوع تمایل به تقلب معرفی شده است. بر اساس یافته‌های عبداللهی و منصور^{۲۵} (۲۰۱۵)، فشارها می‌توانند مالی یا غیرمالی باشد. این دو متغیر اهمیت زیادی دارد، زیرا از متداول‌ترین شکل‌های تقلب است. مدرسان نیز در فعالیت‌های کاری روزمره خود با فشار مالی و غیرمالی روبرو می‌شوند. به‌این ترتیب، برای رسیدن به تأثیرهای احتمالی این دو فشار متفاوت روی تمایل به تقلب، پژوهش حاضر فشار را به دو متغیر فشارهای مالی و کاری تقسیم می‌کند (سانتانو و کاهایا، ۲۰۱۹).

انتشار مقاله در نشریه‌های معتبر شرط مهمی برای ترفیع و ارتقای رتبه علمی مدرسان است. وقتی مدرسان دانشگاهی به جایگاه علمی بالاتر ترفیع می‌گیرند، طبق طرح حق‌الزحمه دانشگاهیان، حقوق آنان افزایش پیدا می‌کند که این موضوع نشان‌دهنده اهمیت بررسی فشار مالی در تمایل به تقلب است (سانتانو و کاهایا، ۲۰۱۹).

بر اساس مثلث تقلب، تقلبی که افراد مرتکب می‌شوند، با فشار شروع می‌شود. این افراد نیازهای مالی ضروری دارند که نمی‌توانند دیگران را در جریان بگذارند. در این صورت، فشار به شکل نیاز به پول به وجود می‌آید. چنین نیازی را نمی‌توان با دیگران در میان گذاشت و از این رو، از نظر سوناکوتا (۲۰۱۰) به آن مسئله مالی غیرقابل اشتراک می‌گویند. فشار مالی متداول‌ترین عاملی است که باعث می‌شود یک فرد سراغ اقدام‌های نادرست برود (عبداللهی و منصور، ۲۰۱۵). بر اساس پژوهش آلبرشت^{۲۶}، آلبرشت و آلبرشت (۲۰۰۸) در حدود ۹۵ درصد موارد تقلب به خاطر فشارهای مالی متقلبان اتفاق افتاده است. آلبرشت، آلبرشت و آلبرشت و زیملمن^{۲۷} (۲۰۱۱) نیز عنوان می‌کنند که تقلب می‌تواند به خاطر مواردی مانند حرص و طمع، سبک زندگی، بدهی، عدم درآمد، ضررهای مالی و نیازهای مالی پیش‌بینی‌نشده به وجود آید.

برخی مطالعه‌های قبلی مانند بیکر و همکاران (۲۰۰۶) و مالگوی و راکویسکی (۲۰۰۹) در رابطه با تقلب علمی نشان داده‌اند که فشار مالی روی تمایل به تقلب تأثیر می‌گذارد. هردو این

پژوهش‌ها اشاره داشته‌اند که سرقت ادبی به این خاطر رخ می‌دهد که متقلبان توانایی مالی خود را از دست می‌دهند. در نتیجه، افرادی که مانند مدرسان دانشگاهی دارای جایگاه خاصی هستند، برای رهایی از این مشکل در چارچوب‌های خاصی مانند تقلب‌های علمی ترغیب می‌شوند. در نتیجه، فرضیه اول پژوهش به شرح زیر است:

فرضیه اول پژوهش: بین فشار مالی و تمایل به تقلب، رابطه مثبت و معناداری وجود

دارد.

افزون بر آن، زمانی که فشار مالی وجود دارد، بیشتر افراد تقلب می‌کنند تا هم‌رده و برابر با همکاران خود شوند. عوامل مختلفی مانند میل به خودنمایی کردن، عدم رضایت شغلی، نگرانی و اضطراب از دست دادن شغل و عدم درآمد نیز برخی از علل تقلب مرتبط با فشار کاری هستند (آلبرشت و همکاران، ۲۰۱۱).

اگر فشار کاری تأمین نشود پیامدهایی را به دنبال دارد. جدای از دست دادن شغل و بیکار شدن، فرد ممکن است حمایت مالی خود را نیز از دست بدهد (مالگوی و راکویسکی، ۲۰۰۹). ضمن اینکه پژوهشگران یا مدرسان دانشگاهی گاهی جدای از انجام فعالیت‌های پژوهشی کارهای دیگری مانند تدریس، وظایف اداری و خدمات عمومی نیز دارند (بیکر و همکاران، ۲۰۰۶). به این ترتیب، کمبود وقت برای انجام پژوهش روی تمایل به تقلب و به‌ویژه سرقت ادبی تأثیر می‌گذارد (سانتانو و کاهایا، ۲۰۱۹). فشار کاری در حوزه پژوهش اغلب با تعداد پژوهش‌های منتشرشده مدرسان در نشریه‌های معتبر داخلی و خارجی معتبر مرتبط است. این یعنی نشان دادن عملکرد آنان در یک موسسه آموزشی و اطمینان از اینکه خطری تداوم همکاری آنان را تهدید نمی‌کند (سانتانو و کاهایا، ۲۰۱۹). فشار کاری می‌تواند مرتبط با از دست دادن شغل به دلیل رکود علمی باشد و پیامدهای دیگری مانند لزوم پیدا کردن شغل جدید و فشارهای خانوادگی را نیز به همراه داشته باشد (کوک و دابویسون^{۲۸}، ۲۰۰۳). بر همین اساس، فرضیه دوم پژوهش به شرح زیر است:

فرضیه دوم پژوهش: بین فشار کاری و تمایل به تقلب، رابطه مثبت و معناداری وجود

دارد.

۴-۲. فرصت

متغیرهای به کاررفته برای مؤلفه فرصت عبارت است از میزان کنترل و نظارت و توسعه فناوری (سانتانو و کاهایا، ۲۰۱۹). در زمینه نظارت و کنترل قابل بیان است که یکی از علل بروز تقلب، فقدان کنترل داخلی است (ریتنبرگ^{۲۹}، ۲۰۱۰). در انجام تقلب، فرد باید حواسش به عدم نظارت و کنترل باشد؛ یعنی متقلب باید از نقاط ضعف کنترل داخلی و چگونگی استفاده از موقعیت برای انجام تقلب آگاه باشد (دورمینی و همکاران، ۲۰۱۲). بر اساس مطالعه‌های قبلی صورت گرفته، تقلب علمی تحت تأثیر میزان کنترل و نظارت قرار می‌گیرد. همچنین، فقدان قوانین مشخص و صریح در رابطه با پیامدهای ارتکاب تقلب و سرقت ادبی نیز از عوامل دیگر محسوب می‌شوند (مالگای و راکویسکی، ۲۰۰۹). نبود کنترل و نظارت روی سرقت ادبی به این خاطر اتفاق می‌افتد که برخی نهادها از نرم‌افزارهای مرتبط با بررسی سرقت ادبی استفاده نمی‌کنند. برخی نرم‌افزارها (برای نمونه، در ایران سامانه مشابهت یاب سمیم نور یا ایران داک) به صورت الکترونیکی مشابهت و سرقت ادبی را تشخیص می‌دهند؛ بنابراین، کنترل و نظارت برای مقابله با وقوع تقلب علمی به‌ویژه سرقت ادبی لازم و ضروری است (لوپس، دوچاک و بیتس^{۳۰}، ۲۰۱۱). در نتیجه، فرضیه سوم پژوهش به صورت زیر است:

فرضیه سوم پژوهش: بین میزان کنترل و نظارت و تمایل به تقلب، رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

همچنین، در سال‌های گذشته تغییرهای فرهنگی به واسطه ظهور رسانه‌های الکترونیک به وجود آمده است (سانتانو و کاهایا، ۲۰۱۹). نمونه‌ای از این تغییرها عبارت است از تغییر در سبک زندگی و ماهیت کار از جمله تغییر در ماهیت کارهای پژوهشی به خاطر وجود و وفور ادبیات موضوع در فضای مجازی. در این حوزه در ایران نیز در سال‌های گذشته برای رفع این مشکل، سامانه‌های همانند جویی مانند ایران داک و سمیم نور راه‌اندازی شده است که تاکنون برخی نشریه‌ها و دانشگاه‌ها از آن استفاده می‌کنند. البته لازم است برای جلوگیری از وجود همپوشانی در مطالب علمی که ضمن اینکه مانع سرقت ادبی می‌شود، به توسعه علمی نیز کیفیت و سرعت می‌بخشد، توسط نهادهای ناظر مانند وزارت عتف، این موارد با سرعت بیشتری دنبال شود. اگرچه در سال‌های اخیر در حوزه جلوگیری از تخلف‌های علمی قوانین و مقررات مناسبی نیز وضع شده است، اما به نظر می‌رسد که این موارد نیازمند تقویت در حوزه اجرا و

نظارت است.

به استناد مطالعه‌های قبلی انجام‌شده، با توسعه فناوری سرقت ادبی نیز متداول‌تر شده و دلیل اصلی آن نیز آزادی دسترسی به اینترنت است (اسکانلون و نئومان^{۳۱}، ۲۰۰۲). راحتی و مزایای اینترنت ازجمله کپی‌برداری و ویرایش کردن محتوای یک مقاله آن را به منبع پژوهشی بالقوه تبدیل کرده است (پارک^{۳۲}، ۲۰۰۴). در حقیقت، تعداد زیاد منابع الکترونیکی و اطلاعات فراوان نه تنها کپی‌برداری را راحت‌تر کرده است، بلکه به واسطه یک لینک می‌توان به منابع هدف دسترسی پیدا کرد و تمام محتوا و اطلاعات موجود در آن را کپی نمود (ولر و آندرسون^{۳۳}، ۲۰۱۰). در نتیجه فرضیه چهارم پژوهش به شرح زیر است:

فرضیه چهارم پژوهش: بین توسعه فناوری و تمایل به تقلب، رابطه مثبت و معناداری

وجود دارد.

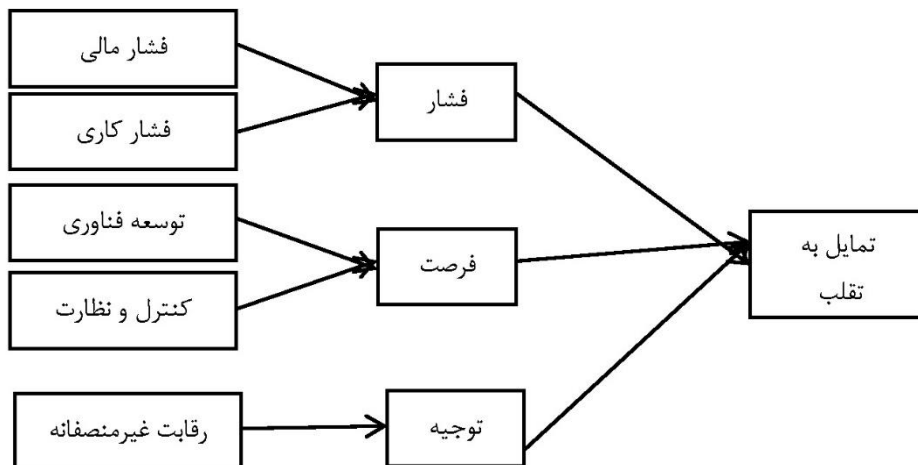
۵-۲. توجیه

یکی از متغیرهایی که از مؤلفه توجیه نشات می‌گیرد، رقابت غیرمنصفانه است (سانتانو و کاهایا، ۲۰۱۹). رقابت نامطلوب پس از آن اتفاق می‌افتد که سایر مؤلفه‌ها در مثلث تقلب رخ دهد (آلبرشت و همکاران، ۲۰۱۱). افراد به گونه معمول به دلیل مواجهه با فشارهای زیاد مانند استانداردهای ارزیابی سطح بالا (بیکر و همکاران، ۲۰۰۶) یا ضرب‌الاجل تحویل در یک بازه مشخص (کوک و داویسون^{۳۴}، ۲۰۰۳) به سراغ توجیه می‌روند. رقابت نامطلوب در این پژوهش عبارت است از نوعی رقابت علمی میان مدرسان حسابداری که حاوی فعالیت‌ها و عملکردهای نادرست باشد یا قوانین را شکسته و نقض کند (سانتانو و کاهایا، ۲۰۱۹). رقابت نامطلوب در تقلب علمی که از طریق سرقت ادبی انجام می‌شود به این خاطر رخ می‌دهد که دیگران آن را با موفقیت انجام داده‌اند، به طوری که قبح عمل ریخته و کار متداولی تلقی می‌شود. بدتر اینکه فرد تقلب می‌کند، زیرا به چشم خود دیده که همکاران متقلبی که نقض قانون کرده‌اند به سزای عمل خود نرسیده‌اند (مالگاوی و راکویسکی، ۲۰۰۹). در نتیجه، فرضیه پنجم پژوهش به شرح زیر است:

فرضیه پنجم پژوهش: بین رقابت غیرمنصفانه و تمایل به تقلب، رابطه منفی و معناداری

وجود دارد.

در ادامه نیز شکل ۲، الگوی مفهومی پژوهش را نشان می‌دهد.



شکل ۲: الگوی مفهومی پژوهش

۳. پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه پژوهش نشان داد که در میان پژوهشگران داخلی برای نمونه، زمانی، عظیمی و سلیمانی (۱۳۹۲) ضمن برشماری عوامل فراوان تأثیرگذار بر سرقت علمی، به چند عامل ساختاری نیز اشاره کرده‌اند که شامل مدرک‌گرایی، نبود سازوکارهای مناسب برای تشخیص و تنبیه سارقان علمی، فشارهای دانشگاهی و آموزش‌های ناکافی بود. همچنین، یعقوبی و ختنلو (۱۳۹۴) نشان داد الگوریتم ژنتیک و برچسب‌گذاری نقش معنایی در مقاله‌های علمی روش مؤثری برای شناسایی سرقت ادبی در متون دانشگاهی است. مردانی، ناخدا، شمسی‌گوشکی و نوروزی (۱۳۹۶) نیز در پژوهش خود به برخی عوامل ساختاری از قبیل فشار نشر، سیاست‌های ارتقای علمی، تأمین بودجه پژوهش و حفظ موقعیت شغلی اشاره کرده‌اند که مورد آخر، جزء عوامل ساختاری نیست و بیشتر فردی است. ناصری و فتحی (۱۳۹۷) نیز در بررسی دانشجویان حسابداری دریافتند که (الف) بین میزان ارتکاب به سرقت علمی دانشجویان کارشناسی ارشد حسابداری و میزان فشارهای محیطی، میزان گرایش سیستم آموزشی و دانشجویان به رویکردهای سطحی آموزش حسابداری و میزان دسترسی دانشجویان به اینترنت (فناوری اطلاعات)، رابطه مثبت و (ب) بین میزان ارتکاب به سرقت علمی دانشجویان

کارشناسی ارشد حسابداری و صلاحیت اخلاقی ایشان، میزان آگاهی آنان از کم و کیف سرقت علمی، میزان حمایت و همراهی استاد با دانشجویان و میزان علاقه ایشان به رشته حسابداری رابطه منفی و معناداری وجود دارد. یافته‌های رجب‌دري و خانی‌ذلان (۱۳۹۹) نیز نشان داد که بین پایبندی به باورها و اعتقادات دینی (تقوا) با صداقت علمی در دانشجویان حسابداری، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در نتیجه، با افزایش سطح باورها و اعتقادات دینی، صداقت علمی در دانشجویان حسابداری افزایش می‌یابد.

در میان پژوهشگران خارجی نیز برای نمونه، پاول و سینگ^{۳۵} (۲۰۱۶) ضمن تأکید بر ارتقای درک دانشجویان نسبت به سرقت علمی در دانشجویان تحصیلات تکمیلی حسابداری، به ارزیابی سرقت علمی به عنوان موضوعی آموزشی در بین دانشجویان سال دوم تحصیلات تکمیلی حسابداری در استرالیا پرداختند. آن‌ها ضمن ارائه مبانی نظری و عناصر علمی مؤثر بر ارتقا درک دانشجویان حسابداری نسبت به سرقت علمی، پژوهش خود را بر مبنای پرسشنامه طراحی نموده و دریافتند آگاهی بخشی به دانشجویان در زمینه سرقت علمی، موجب توسعه درک آن‌ها از این موضوع می‌شود و تأثیر مثبتی بر پیشگیری از سرقت علمی در دانشجویان حسابداری دارد. سانتانو و کاهایا (۲۰۱۹) نیز در بررسی ۱۰۸ مدرس حسابداری در اندونزی با استفاده از رگرسیون چند متغیره و نظریه مثلث تقلب دریافتند که فشار مالی، فشار کاری، توسعه فناوری، کنترل و نظارت و رقابت غیرمنصفانه بر تمایل به تقلب مدرسان حسابداری اثرگذار است.

بررسی پیشینه پژوهش نشان داد که تاکنون اگرچه پژوهش‌های مفید و ارزشمندی در حوزه سرقت ادبی صورت گرفته است، اما به‌ویژه در حوزه حسابداری تاکنون پژوهش‌های داخلی توجه زیادی به تمایل به تقلب نکرده‌اند و همچنین، تاکنون شناسایی عوامل مؤثر بر تمایل به تقلب در مدرسان حسابداری با تأکید بر نظریه مثلث تقلب موردبررسی تجربی قرار نگرفته و در نتیجه، نیازمند بررسی است تا بتوان بر اساس یافته‌ها برنامه‌ریزی‌های دیگری انجام داد.

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ گردآوری داده‌ها توصیفی-پیمایشی است. روش‌های گردآوری اطلاعات اولیه در این پژوهش ترکیبی از روش‌های تحقیق کتابخانه‌ای و میدانی است. به‌منظور

آزمون فرضیه‌های پژوهش نیز از فن معادلات ساختاری در نرم‌افزار Smart PLS نسخه ۳.۲.۱ استفاده شد.

۴-۱. متغیرهای پژوهش

برای بررسی متغیرهای پژوهش از پرسشنامه سانتانو و کاهایا (۲۰۱۹) استفاده شد. در پرسشنامه‌های پژوهش تمایل به تقلب شامل ۶ سؤال، فشار مالی ۵ سؤال، فشار کاری ۶ سؤال، کنترل و نظارت ۵ سؤال، توسعه فناوری ۴ سؤال و رقابت غیرمنصفانه نیز شامل ۴ سؤال است. در پرسشنامه‌های ذکرشده از طیف لیکرت پنج گزینه‌ای و گزینه‌های «کاملاً مخالف»، «مخالف»، «نه موافق و نه مخالف»، «موافق» و «کاملاً موافق» برای پاسخگویی استفاده شد. ترجمه، بومی‌سازی و استفاده از پرسشنامه‌ها پس از دریافت نظرهای کارشناسی و تأیید استادان دانشگاهی و صاحب‌نظران مختلف (یک دانشیار و یک استادیار حسابداری و یک استادیار روانشناسی) بوده است، بدین معنا که اعتبار ظاهری و محتوایی پرسشنامه‌ها تأیید شد. بررسی پایایی پرسشنامه‌های پژوهش از طریق ضریب آلفای کرونباخ در نرم‌افزار SPSS نیز نشان داد که همه موارد در سطح بالاتر از ۷۰ درصد قرار دارد و در نتیجه، پایایی آن‌ها تأیید شد.

۴-۲. جامعه آماری و نمونه پژوهش

جامعه پژوهش موردنظر پژوهش حاضر کلیه مدرسان حسابداری در سطح کشور است. با توجه به اینکه دسترسی به کل افراد ذکرشده با پراکندگی‌های مختلف، سخت و تا حدودی غیرممکن است، تعداد جامعه آماری نامشخص فرض شد؛ بنابراین، برای محاسبه حجم نمونه در جامعه نامشخص از رابطه شماره ۲ استفاده شد. δ انحراف معیار برای داده‌های طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای حاصل از رابطه شماره ۱ برابر با ۰/۶۶۷ است. همچنین، Z در سطح اطمینان ۹۵ درصد برابر با ۱/۹۶ و دقت برآورد که در مخرج کسر دوم قرار دارد، به میزان ۰/۱ است (مؤمنی و فعال‌قیومی، ۱۳۸۶).

$$\delta = \frac{\max(x_i) - \min(x_i)}{6} = \frac{5 - 1}{6} = 0.667$$

رابطه ۱

$$n = \frac{z^2 \alpha / \delta^2}{\varepsilon^2} = \frac{(1/96)^2 (0/667)^2}{(0/1)^2} = 170$$

رابطه ۲

جمع‌آوری نظرها نیز به شیوه مجازی و حضوری صورت گرفت. در شیوه حضوری ۴۷ پرسشنامه جمع‌آوری شد. لازم به ذکر است که در این مرحله ۵۰ پرسشنامه توزیع شد که ۴۷ مورد قابل استفاده بود. در شیوه مجازی نیز ابتدا بانک اطلاعاتی از رایانامه افراد موردنظر ایجاد و سپس، به ۴۰۰ نفر از آنان ارسال شد که پس از سه مرحله ارسال درخواست، ۱۲۳ پرسشنامه و در مجموع ۱۷۰ پرسشنامه تکمیل شد. لازم به ذکر است که از افراد موردنظر خواسته شد در صورت امکان پرسشنامه را در اختیار سایر افراد دارای صلاحیت نیز قرار بدهند. همچنین، از ظرفیت گروه‌ها و فعالان فضای مجازی نیز استفاده شد. به منظور کنترل این موضوع که آیا یافته‌های پرسشنامه‌های دریافت نشده می‌توانست بر یافته‌های پژوهش اثر بگذارد، میانگین دو مرحله (مراحل حضوری و مجازی) از طریق اجرای آزمون T مقایسه شد. با توجه به مقدار معناداری این آزمون (۰/۰۰) که کمتر از ۵ درصد است، می‌توان گفت در صورت پاسخگویی شرکت‌های دیگر نیز، یافته‌های به دست آمده تغییری نمی‌کرد.

۵. یافته‌های پژوهش

بررسی یافته‌ها نشان داد که ۱۰۷ نفر از پاسخ‌دهندگان مرد و ۶۳ نفر از آنان زن بوده‌اند. میانگین سن آن‌ها نیز ۴۲/۵۱ با انحراف معیار ۱۲/۷۳ است. میانگین سابقه کار آنان نیز ۱۲/۳۴ سال با انحراف معیار ۸/۳۱ بود. از پاسخ‌دهندگان نیز ۵۴ نفر دارای مدرک دکتری، ۵۰ نفر دانشجوی دکتری و ۶۶ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد بوده‌اند. این اطلاعات نشان می‌دهند که جامعه آماری این مطالعه از شرایط مناسبی برخوردار است و واجد شرایط بوده‌اند. در نتیجه، یافته‌ها تا آنجا که به ویژگی جامعه‌شناختی ارتباط پیدا می‌کند، دارای ویژگی کیفی لازم از جمله در زمینه روایی داخلی پژوهش نیز است. نگاره ۱ نیز جزئیات اطلاعات پاسخ‌دهندگان را نشان می‌دهد.

نگاره ۱: اطلاعات پاسخ‌دهندگان

نوع دانشگاه	مرد	زن	دکتری	دانشجوی دکتری	کارشناسی ارشد	جمع
دولتی	۴۳	۳۳	۳۵	۲۲	۱۴	۷۶
آزاد اسلامی	۵۴	۲۰	۱۵	۲۷	۳۲	۷۴
غیرانتفاعی	۵	۶	-	-	۱۱	۱۱
پیام نور	۵	۴	-	-	۹	۹
جمع	۱۰۷	۶۳	۵۴	۵۰	۶۶	۱۷۰

۵-۱. آزمون فرضیه‌های پژوهش

در ادامه، هریک از فرضیه‌های پژوهش با استفاده از فن حداقل مربعات جزئی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در ادامه، نگاره ۲ یافته‌های این بخش را نشان می‌دهد.

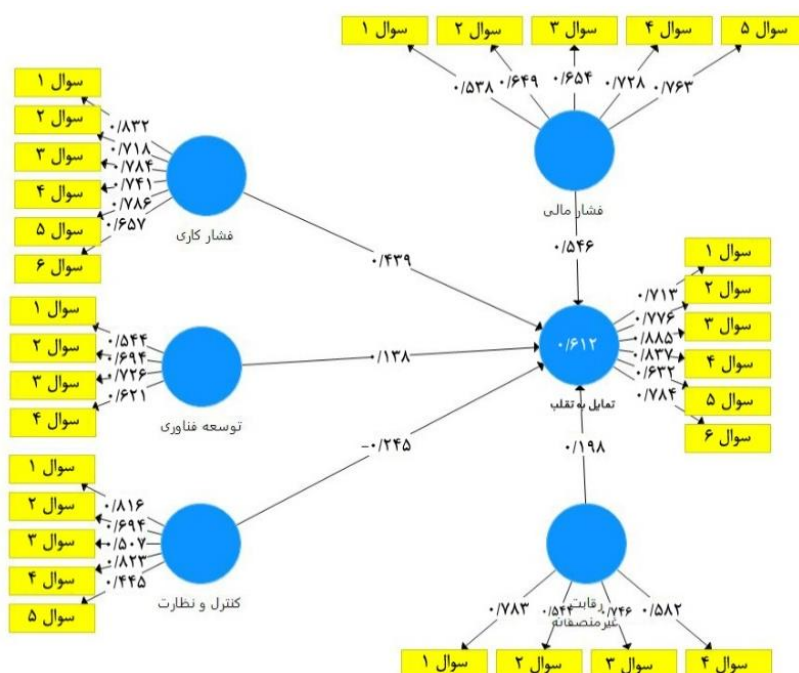
نگاره ۲: روایی همگرا و پایایی متغیرهای پژوهش

متغیر	آلفای کرونباخ	واریانس استخراج	روایی مرکب
تمایل به تقلب	۰/۷۵۹	۰/۵۹۷	۰/۷۳۲
فشار مالی	۰/۷۹۲	۰/۶۴۲	۰/۷۴۵
فشار کاری	۰/۸۱۴	۰/۵۸۸	۰/۸۲۹
توسعه فناوری	۰/۷۷۲	۰/۶۸۸	۰/۷۳۷
کنترل و نظارت	۰/۸۴۱	۰/۶۱۲	۰/۸۰۳
رقابت غیرمنصفانه	۰/۷۳۶	۰/۶۷۱	۰/۸۵۱

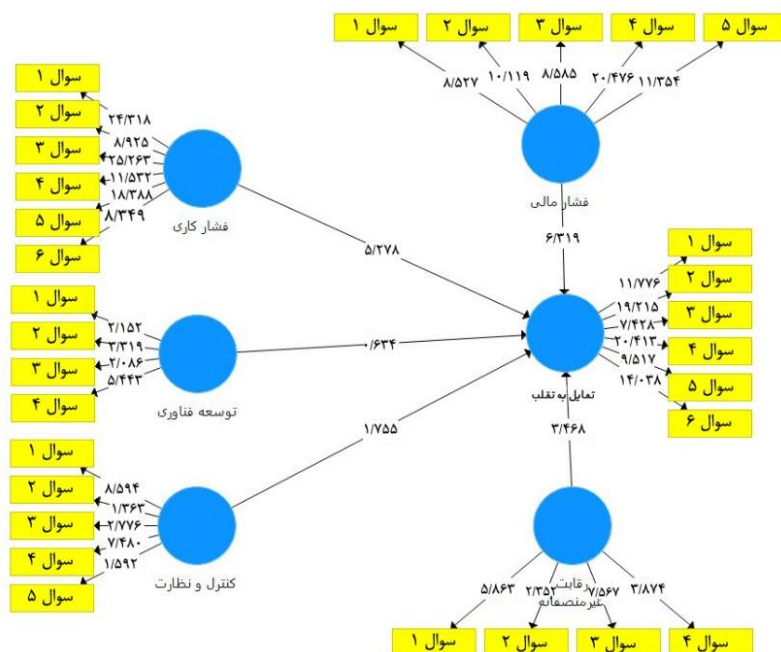
از آنجاکه آلفای کرونباخ تمامی متغیرها بزرگ‌تر از ۰/۷ است؛ بنابراین، از نظر پایایی تمامی متغیرها مورد تأیید است. مقدار میانگین واریانس استخراج‌شده نیز بزرگ‌تر از ۰/۵ است؛ بنابراین، روایی همگرا نیز تأیید می‌شود. مقدار روایی مرکب نیز در حد مطلوب و بالاتر از ۰/۷ است.

رابطه متغیرهای مورد بررسی در هر یک از فرضیه‌های پژوهش بر اساس یک ساختار علی با فن حداقل مربعات جزئی PLS آزمون شده است. الگوی کلی پژوهش در شکل ۳ ترسیم‌شده

است. الگوی اندازه‌گیری (رابطه هریک از متغیرهای قابل مشاهده با متغیر پنهان) و الگوی مسیر (روابط متغیرهای پنهان با یکدیگر) نیز محاسبه شده است. برای سنجش معناداری روابط نیز آماره t با روش بوت استراپ محاسبه شد که در شکل ۴ ارائه شده است. در این الگوی که خروجی نرم‌افزار Smart PLS است، خلاصه یافته‌های مربوط به بار عاملی استاندارد روابط متغیرهای پژوهش ارائه شد. آزمون فرضیه‌های پژوهش بر اساس روابط هریک از متغیرها به تفکیک نیز ارائه شده است. در ادامه، شکل ۳ و ۴ یافته‌های مربوط را نشان می‌دهد.



شکل ۳: روش حداقل مربعات جزئی الگوی کلی پژوهش



شکل ۴: آماره t -value الگوی کلی پژوهش با روش بوت استرپ

شکل ۳ نشان داد که R^2 پژوهش به میزان ۰/۶۱۲ است. نتیجه کلی این بخش به این صورت خواهد بود که عوامل مورد بررسی ۶۱ درصد در تمایل به تقلب استادان حسابداری مؤثر است. بر اساس شکل ۴ نیز رابطه فشار مالی، فشار کاری و رقابت غیرمنصفانه با تمایل به تقلب در مدرسان حسابداری معنادار است، اما بین توسعه فناوری و کنترل و نظارت با تمایل به تقلب در مدرسان حسابداری رابطه معناداری مشاهده نشد.

۵-۱-۱. بررسی روایی تشخیصی

در تحلیل کمترین مربعات جزئی^{۳۶} برای بررسی روایی تشخیصی که بیانگر وجود همبستگی‌های جزئی بین شاخص‌های یک سازه و شاخص‌های سازه‌های دیگر است از معیار (فرونل و لارکر^{۳۷}، ۱۹۸۱) استفاده می‌شود. معیار فرونل و لارکر (۱۹۸۱) اشاره به این مسئله دارد که ریشه دوم مقادیر واریانس استخراج هر سازه، بزرگ‌تر از مقادیر همبستگی آن سازه با سازه‌های دیگر باشد. مقادیر موجود در روی قطر اصلی ماتریس، باید از کلیه مقادیر موجود در

ستون مربوطه بزرگ‌تر باشد (آذر، قنواتی و غلامزاده، ۱۳۹۱). نگاره ۳ ماتریس فرونل و لارکر (۱۹۸۱) پژوهش را نشان می‌دهد.

نگاره ۳: ماتریس فرونل و لارکر (۱۹۸۱) متغیرهای پژوهش

متغیرها	تمایل به تقلب	فشار مالی	فشار کاری	توسعه فناوری	کنترل و نظارت	رقابت غیرمنصفانه
تمایل به تقلب	۰/۷۵۴۱					
فشار مالی	۰/۵۶۸۵	۰/۷۸۹۲				
فشار کاری	۰/۵۴۳۴	۰/۷۰۵۴	۰/۸۶۴۷			
توسعه فناوری	۰/۶۴۱۱	۰/۷۶۷۶	۰/۶۱۲۶	۰/۸۳۳۴		
کنترل و نظارت	۰/۷۲۹۲	۰/۷۵۶۸	۰/۸۰۲۲	۰/۷۸۹۷	۰/۸۲۸۸	
رقابت غیرمنصفانه	۰/۷۰۳۳	۰/۵۸۹۲	۰/۶۴۳۷	۰/۵۲۴۸	۰/۶۸۴۶	۰/۸۱۷۵

همان‌گونه که مشخص است، مقادیر موجود در روی قطر اصلی ماتریس، از کلیه مقادیر موجود در ستون مربوط آن بزرگ‌تر است و نشان‌دهنده آن است که الگوی ارائه شده دارای اعتبار تشخیصی مناسب است.

۲-۱-۵. بررسی نیکویی برازش

برای بررسی برازش کلی الگوی پژوهش که هر دو بخش مدل اندازه‌گیری و ساختاری را کنترل می‌کند، از معیار نیکویی برازش استفاده می‌شود. وتزلس، ادکرکن-اسچرودر و ون-اوپن^{۳۸} (۲۰۰۹) سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ را به‌عنوان مقدار ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی نیکویی برازش معرفی می‌کنند. رابطه ۱ شیوه محاسبه این شاخص را نشان می‌دهد.

$$\text{GoF} = \sqrt{\text{Communalities} \times R^2} \quad \text{رابطه ۱}$$

که در آن:

Communalities: میانگین مقادیر اشتراکی متغیرهای پنهان مرتبه اول و

R^2 : ضریب تعیین الگو است.

نگاره ۴ یافته‌های مربوط به این بخش را نشان می‌دهد.

نگاره ۴: محاسبه نیکویی برازش مدل ساختاری

متغیر	R^2	میانگین مقادیر اشتراکی
تمایل به تقلب	۰/۶۱۲۹	۰/۷۵۹۴

$$\text{Gof} = ۰/۶۸۵۷$$

حاصل شدن مقدار ۰/۶۸۵۷ برای GoF نشان از برازش کلی قوی مدل دارد.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر شناسایی عوامل مؤثر بر تمایل به تقلب در مدرسان حسابداری با تأکید بر نظریه مثلث تقلب است. از این‌رو، یافته‌های پژوهش با کسب نظر ۱۷۰ نفر از مدرسان حسابداری در سطح کشور، صورت پذیرفت. یافته کلی پژوهش نشان داد که عوامل موردبررسی ۶۱ درصد بر تمایل به تقلب در مدرسان حسابداری اثرگذار است. اگرچه دانشگاه به‌عنوان یک نهاد آموزشی نقش مهمی در انجام آثار پژوهشی و علمی ایفا می‌کند، اما نقض اخلاق و تمایل به تقلب هم موضوع شایعی است که در داخل و خارج از کشور مشاهده می‌شود.

در این پژوهش از نظریه مثلث تقلب استفاده شد، زیرا با استناد به مبانی نظری موجود، الگوی پذیرفته‌شده مناسبی برای پیش‌بینی نیت و تمایل به تقلب به شمار می‌آید. هرچند به گونه معمول از نظریه مثلث تقلب برای تبیین و توصیف تقلب‌های مالی استفاده می‌شود، اما می‌توان از آن برای توصیف نادرستی و سوءنیت در محیط‌های علمی نیز استفاده کرد، زیرا تقلب‌ها در محیط‌های علمی شبیه تقلب‌های مالی است که شامل فشار، فرصت و توجیه می‌شود.

فشار به‌عنوان عامل تحریک‌کننده برای تمایل به تقلب معرفی شده است. در این پژوهش

فشار شامل فشار مالی و فشار کاری است. در فرضیه اول پژوهش مشاهده شد بین فشار مالی و تمایل به تقلب رابطه مثبت و معناداری در سطح ۴۷ درصد وجود دارد. از آنجاکه انتشار مقاله موجب بالا رفتن جایگاه علمی مدرسان می‌شود و هنگامی که مدرسان دانشگاهی به جایگاه علمی بالاتر ترفیع می‌گیرند، طبق طرح حق‌الزحمه دانشگاهیان، حقوق آنان افزایش پیدا می‌کند، فشار مالی می‌تواند موجب تقلب علمی شود. یافته‌های این بخش همسو با پژوهش‌های بیکر و همکاران (۲۰۰۶) و مالگوی و راکویسکی (۲۰۰۹) است.

در فرضیه دوم پژوهش نیز نشان داده شد بین فشار کاری و تمایل به تقلب رابطه مثبت و معناداری در سطح ۴۰ درصد وجود دارد. در رابطه با فشار کاری عواملی مانند میل به خودنمایی کردن، عدم رضایت شغلی، نگرانی و اضطراب از دست دادن شغل موجب تقلب مدرسان حسابداری می‌شود. کمبود وقت نیز عامل دیگری است که می‌تواند در گروه فشار کاری قلمداد و موجب تقلب مدرسان شود. در نتیجه، با توجه به عوامل بیان‌شده، مدرسان تمایل دارند باوجود مشغله‌ها، مقاله‌های بیشتری را منتشر کنند که موجب تقلب آنان می‌شود. یافته‌های این بخش نیز همسو با یافته‌های کوک و دایویسون (۲۰۰۳) و سانتانو و کاهایا (۲۰۱۹) است.

فرصت نیز در این پژوهش شامل کنترل و نظارت و توسعه فناوری است. در فرضیه سوم نشان داده شد که بین کنترل و نظارت و تمایل به تقلب رابطه معناداری وجود ندارد. یکی از علل بروز تقلب، فقدان کنترل داخلی است که باوجود کنترل، تمایل به تقلب کمتر خواهد شد، زیرا سیستم کنترل داخلی اثربخش عامل مهمی در پیشگیری از وقوع تقلب است (تشددی و سپاسی، ۱۳۹۷). یافته‌ها رابطه معناداری بین متغیرهای موردبررسی در این فرضیه نشان نداد که می‌تواند ناشی از کاربردی نبودن و غیر مؤثر بودن کنترل‌ها باشد. یافته‌های این بخش نیز همسو با سانتانو و کاهایا (۲۰۱۹) است.

فرضیه چهارم نیز رابطه معناداری بین توسعه فناوری و تمایل به تقلب نشان نداد. از آن جهت که توسعه فناوری در کشور در حوزه پژوهش و نرم‌افزارهای مرتبط با جلوگیری از تمایل به تقلب در جایگاه مناسبی قرار ندارد، این موضوع مورد انتظار بود. همچنین، یافته‌های این بخش همسو با سانتانو و کاهایا (۲۰۱۹) است.

در فرضیه پنجم پژوهش نیز اثر رقابت غیرمنصفانه به نمایندگی از توجیه در مثلث تقلب

بر تمایل به تقلب مدرسان حسابداری مورد بررسی قرار گرفت. این بخش از یافته‌ها نیز نشان داد که بین دو متغیر ذکر شده رابطه مثبت و معناداری در سطح ۱۷ درصد وجود دارد. از آنجاکه رقابت غلطی که در آن مدرسان حسابداری فعالیت‌ها و عملکردها را به نادرست متقبل می‌شوند یا قوانین موجود را شکسته و نقض می‌کنند، عمل ناصحیحی است که موجب افزایش تمایل به تقلب می‌شود. یافته‌های این بخش نیز همسو با سانتانو و کاهایا (۲۰۱۹) است.

این پژوهش با محدودیت‌هایی نیز همراه بوده است که شامل محدودیت‌های ذاتی پرسشنامه و ناآشنایی برخی از پاسخ‌دهندگان با مفاهیم مورد بررسی است. البته اجباری نبودن استفاده از سامانه مشابه یاب و همچنین، عدم تشخیص مواردی که به صورت عینی از موارد خارجی اقتباس شده است نیز باید در تعمیم یافته‌ها مورد توجه قرار گیرد. همچنین، استفاده از مثلث تقلب نیز از دیگر محدودیت‌های پژوهش است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد توسط برنامه‌ریزان کلان مانند وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و دانشگاه‌ها، برنامه‌ریزی‌های بهتری در راستای کاهش تمایل به تقلب تنظیم شود. برای نمونه، اجباری شدن استفاده از سامانه مشابه یاب برای مدرسان و دانشجویان و همچنین، برخورد با متخلفان از این دست موارد است. افزون بر آن، افزایش آگاهی مدرسان برای تشخیص تخلف و تقلب از یکدیگر نیز پیشنهاد دیگری است که باید برای آن برنامه‌ریزی و آموزش لازم صورت گیرد. برای پژوهش‌های آتی نیز بررسی رابطه اخلاق حرفه‌ای، جامعه‌ستیزی، فرهنگ سازمانی، ویژگی‌های جمعیت شناختی و تقوا با تمایل به تقلب در مدرسان و دانشجویان تحصیلات تکمیلی حسابداری پیشنهاد می‌شود. افزون بر آن، شناسایی تقلب‌های دانشگاهی با لوزی و پنج‌ضلعی تقلب نیز پیشنهاد می‌شود.

یادداشت‌ها

- | | |
|---|---------------------------------------|
| 1. Information Asymmetry | 9. Malgwi and Rakovski |
| 2. Santoso and Cahaya | 10. Tinkelman |
| 3. Plagiarism | 11. Aghghaleh, Iskandar and Mohamed |
| 4. Suryono | 12. Morales, Gendron, Guenin-Paracini |
| 5. Elliott, Marquis and Neal | 13. Wibowo |
| 6. Webster | 14. Sierra and Hyman |
| 7. Becker, Connolly, Lentz and Morrison | 15. Lambert, Millimet and Slottje |
| 8. Granitz and Loewy | |

- | | |
|---|--|
| 16. Bloodgood, Turnley and Mudrack | 28. Kock and Davison |
| 17. Tuanakotta | 29. Rittenberg |
| 18. Martin | 30. Lewis, Duchac and Beets |
| 19. Donald Cressey | 31. Scanlon and Neumann |
| 20. Pressure | 32. Park |
| 21. Opportunity | 33. Wheeler and Anderson |
| 22. Rationalization | 34. Kock and Davison |
| 23. Dorminey, Fleming, Kranacher
and Riley | 35. Powell and Singh |
| 24. Burke and Sanney | 36. SEM-PLS |
| 25. Abdullahi and Mansor | 37. Fornell and Larcker |
| 26. Albrecht | 38. Wetzels, Odekerken-Schroder
and Van Oppen |
| 27. Zimbelman | |

منابع

الف. فارسی

- آذر، عادل؛ قنواتی، الهه و غلامزاده، رسول (۱۳۹۱). مدل‌سازی مسیری - ساختاری در مدیریت: کاربرد نرم‌افزار *SmartPLS*. تهران: نگاه دانش.
- تشدید، الهه و سپاسی، سحر (۱۳۹۷). ارائه الگوی پیشگیری و کنترل تقلب در ایران به روش نظریه‌پردازی زمینه بنیان. *حسابداری مالی*، ۱۰ (۴۰): ۲۹-۵۰.
- جبارزاده، سعید؛ روشنی، هاجر و خدایاری، سبيله (۱۳۹۴). رابطه بین عناصر فرهنگی و عدم تقارن اطلاعاتی در گزارشگری مالی. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۷ (۲۷): ۱۲۵-۱۴۲.
- رجب‌دري، حسين و خانی‌ذلان، امیررضا (۱۳۹۹). رابطه پایبندی به باورها و اعتقادات دینی (تقوا) با صداقت علمی: بررسی دیدگاه دانشجویان حسابداری. *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ۱۰ (۳۶): ۴۷۵-۴۹۰.
- زمانی، بی‌بی‌عشرت؛ عظیمی، سیدامین و سلیمانی، نسیم (۱۳۹۲). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر سرقت علمی دانشجویان دانشگاه اصفهان. *پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۱۹ (۱)، ۹۱-۱۱۰.
- محمدحسین‌پور، رسول؛ باقری‌نویسی، رضا و افضلی‌شهری، محمد (۱۳۹۶). بررسی دلایل

ارتکاب سرقت ادبی و راه‌های پیشگیری از آن در جامعه علمی ایران: دیدگاه سردبیران، اساتید و دانشجویان. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی (پژوهش زبان‌های خارجی)، ۷ (۲)، ۵۵۵-۵۸۷.

محمدی‌مقدم، احسان؛ معین‌الدین، محمود و حیرانی، فروغ (۱۳۹۷). شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر احتمال بروز تقلب یا اعمال مجرمانه توسط حسابداران با استفاده از نظریه مثلث تقلب. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۷ (۲۵): ۱۲۳-۱۳۸.

مرادی، مهدی و سلیمانی، مجتبی (۱۳۹۰). روانشناسی و جامعه‌شناسی تقلب. دانش حسابرسی، ۱۱ (۴)، ۵۶-۷۳.

مرادی، جواد، رستمی، راحله و زارع، رضا (۱۳۹۳). شناسایی عوامل خطر مؤثر بر احتمال وقوع تقلب در گزارشگری مالی از دید حسابرسان و بررسی تأثیر آن‌ها بر عملکرد مالی شرکت. پیشرفت‌های حسابداری، ۶ (۱)، ۱۴۱-۱۷۳.

مردانی، امیرحسین؛ ناخدا، مریم؛ شمسی‌گوشکی، احسان و نوروزی، علیرضا (۱۳۹۶). عوامل مؤثر گزارش‌شده برای سوء رفتارهای پژوهشی در تحقیقات ایران. مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی، ۱۰ (۱)، ۲۴۳-۲۵۷.

مؤمنی، منصور و فعال‌قیومی، علی (۱۳۸۹). تحلیل‌های آماری با استفاده از SPSS. چاپ دوم. تهران: انتشارات کتاب نو.

ناصری، احمد و فتحی، معصومه (۱۳۹۷). بررسی عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان ارشد حسابداری به سرقت علمی. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۷ (۴)، ۱-۲۰.

نمازی، محمد و حسینی‌نیا، سمیه (۱۳۹۸). تحلیل محتوای نظریه‌های تقلب مالی و ارائه فرا الگوی چندبعدی تقلب. دانش حسابداری مالی، ۶ (۱)، ۱-۳۶.

نمازی، محمد و رجب‌دري، حسین (۱۳۹۹). نظریه‌ها و کاربردهای اخلاق حرفه‌ای در حسابداری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

نمازی، محمد و رجب‌دري، حسین و روستامیمندی، اعظم (۱۳۹۶). بررسی تعداد و تحلیل محتوای مقاله‌های مرتبط با اخلاق حرفه‌ای حسابداری در ایران. پیشرفت‌های حسابداری، ۹ (۱)، ۱۹۲-۲۲۶.

وکیلی‌فرد، حمیدرضا؛ جبارزاده‌کنگرلوئی، سعید و پوررضا، اکبر (۱۳۸۸). بررسی ویژگی‌های

تقلب در صورت‌های مالی. حسابدار، ۲۱۰، ۳۶-۴۱.

یعقوبی، رضوان و ختنلو، حسن (۱۳۹۴). شناسایی سرقت ادبی مبتنی بر الگوریتم ژنتیک و برچسب‌گذاری نقش معنایی در مقالات علمی. صنایع الکترونیک، ۶ (۳)، ۶۷-۷۹.

ب. انگلیسی

- Abdullahi, R., & Mansor, N. (2015). Fraud triangle theory and fraud diamond theory: Understanding the convergent and divergent for future research. *International Journal of Academic Research in Accounting, Finance and Management Sciences*, 5(4), 38-45.
- Aghghaleh, S. F., Iskandar, T. M., & Mohamed, Z. M. (2014). Fraud risk factors of fraud triangle and the likelihood of fraud occurrence: Evidence from Malaysia. *Information Management and Business Review*, 6 (1), 1-7.
- Albrecht, W. S., Albrecht, C. O., Albrecht, C. C., & Zimbelman, M. F. (2011). *Fraud Examination*. Mason: South-Western Cengage Learning
- Albrecht, W. S., Albrecht, C., & Albrecht, C. C. (2008). Current trends in fraud and its detection. *Information Security Journal: A Global Perspective*, 17 (1), 2-12.
- Becker, D., Connolly, J., Lentz, P., & Morrison, J. (2006). Using the business fraud triangle to predict academic dishonesty among business student. *Academy of Educational Leadership Journal*, 10 (1), 37-53.
- Bloodgood, J., Turnley, W., & Mudrack, P. (2008). The influence of ethics instruction, religiosity, and intelligence on cheating behavior. *Journal of Business Ethics*, 82 (3), 557-571.
- Burke, D. D., & Sanney, K. J. (2018). Applying the fraud triangle to higher education: Ethical implications. *Journal of Legal Studies Education*, 35 (1), 5-43.
- Dorminey, J., Fleming, A. S., Kranacher, M., & Riley, R. A. (2012). The evolution of fraud theory. *Issues in Accounting Education*, 27 (2), 555-579.
- Elliott, T. L., Marquis, L. M., & Neal, C. S. (2013). Business ethics perspectives: Faculty plagiarism and fraud. *Journal Bussiness Ethics*, 112 (1), 90-99.
- Fornell, C., & Larcker, D. (1981). Evaluating structural equation models with unobservable and measuring error. *Journal of High Technology Management Reasearch*, 39-50.

- Granitz, N., & Loewy, D. (2007). Applying ethical theories: Interpreting and responding to student plagiarism. *Journal of Business Ethics*, 72 (3), 293–306.
- Kock, N., & Davison, R. (2003). Dealing with plagiarism in the information system research community: A look at factors that drive plagiarism and ways to address them. *MIS Quarterly*, 27 (4), 511–532.
- Lambert, P. J., Millimet, D. L., & Slottje, D. (2003). Inequality aversion and the natural rate of subjective inequality. *Journal of Public Economics*, 87 (5-6), 1061–1090.
- Lewis, B. R., Duchac, J. E., & Beets, S. D. (2011). An academic publisher's response to plagiarism. *Journal of Business Ethics*, 102 (3), 489-506.
- Malgwi, C. A., & Rakovski, C. A. (2009). Combating academic fraud: Are students reticent about uncovering the covert?. *Journal of Academic Ethics*, 7 (3), 207–221.
- Martin, B. (2007). Keeping plagiarism at bay - A salutary tale. *Research Policy*, 36 (7), 905–911.
- Morales, J., Gendron, Y., & Guenin-Paracini, H. (2014). The construction of the risky individual and vigilant organization: A genealogy of the fraud triangle. *Accounting, Organizations and Society* 39, 170–194.
- Park, C. (2004). Rebels without a clause: Towards an institutional framework for dealing with plagiarism by students. *Journal of Further and Higher Education*, 28 (3), 291–306.
- Powell, L., & Singh, N. (2016). An integrated academic literacy approach to improving students' understanding of plagiarism in an accounting course. *Accounting Education*, 25 (1), 14-34.
- Rittenberg, D. L. (2010). COSO: Working with the academic community. *Accounting Horizons*, 24 (3), 455–469.
- Santoso, A., & Cahaya, F. (2019). Factors influencing plagiarism by accounting lecturers. *Accounting Education*, 28 (4), 401- 425.
- Scanlon, P., & Neumann, D. (2002). Internet plagiarism among college students. *Journal of College Student Development*, 43 (1), 374–385.
- Sierra, J. J., & Hyman, M. R. (2008). Ethical antecedents of cheating intentions: Evidence of mediation. *Journal of Academic Ethics*, 6 (1), 51–66.
- Suryono, I. A. (2011). Pelanggaran etika jurnal penulisan dan plagiarisme: Bagaimana menanggulangnya. *The Medical Journal of Indonesia*, 61

- (5), 193–194. (In Indonesian)
- Tinkelman, D. (2012). Using auditing concepts to discourage college student academic misconduct and encourage engagement. *Journal of Academic and Business Ethics*, 5 (1), 1–29.
- Wetzels, M., Odekkerken-Schroder, G. & Van Oppen, C. (2009). Using PLS path modeling for assessing hierarchical construct models: Guidelines and empirical illustration, *MIS Quarterly*, 33(1): 177.
- Wheeler, D., & Anderson, D. (2010). Dealing with plagiarism in complex information society. *Education, Business and Society: Contemporary Middle Eastern Issues*, 3 (3), 166–177.